جستارهای تاریخ اسلام
دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی جستارهای تاریخ اسلام
سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۴
صفحات: ۲۰۳-۲۲۴

راهکارهای صفویان در ترغیب مردم ساوه به پذیرش مذهب تشیع

صغری فهیمی[۱]

چکیده

مذهب تشیع امامیه برای اولین بار در زمان حکومت صفویه رسمیت یافت. روش صفویان در تغییر مذهب، در مناطق مختلف به تناسب میزان پذیرش مردم آن سرزمین، متفاوت بود. در این میان ساوه، یکی از مراکز سنّی‌نشین بود که با تدابیر حکومت صفویه به مذهب تشیع گرایش یافت. مردم ساوه، زمینه پذیرش مذهب تشیع را داشتند و شافعی‌مذهب بودن آنان و نیز هم‌جواری آنها با دو شهر شیعه‌نشین، همراه با تدابیر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دولت صفویه، باعث تغییر مذهب آنان بدون اجبار شد. اطلاعات مرتبط با این موضوع، از طریق منابع مکتوب دوران صفویه و قاجار جمع‌آوری گردید و با روش تاریخی ـ توصیفی و تحلیلی، مورد بررسی قرار گرفت. با بررسی تلاش حکومت صفویه در تغییر مذهب مردم ساوه، این نتیجه به دست می‌آید که غالب روش‌هایی که صفویه در این مسیر از آن بهره بردند، بدون تحمیل و اجبار بوده است. آنها با رونق اقتصادی، فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی و با به‌کارگیری عالمان شیعه در اداره امور کشوری و اقتصادی، باعث گرایش مردم ساوه به مذهب شیعه امامیه شدند.

واژگان کلیدی: تشیع، ساوه، تغییر مذهب، صفویه، راهکار سیاسی، راهکار اقتصادی.

---

۱. دانش پژوه سطح چهار تاریخ اهل‌بیت علیهم‌السلام، جامعة الزهراء علیهاالسلام، قم، ایران؛ s.fahimi45@gmail.com.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۲

https://jte.jz.ac.ir/article_238893.html

مقدمه

دوره حکومت صفویان (۸۸۰-۱۱۰۱ش) از مهم‌ترین دوران‌های تاریخی کشور ایران به شمار می‌آید؛ زیرا برای اولین بار، ایران پس از اسلام، دارای حکومت مرکزی بود و آنان بر تمام مناطق تسلط داشتند. صفویان در طول حدود ۲۲۱ سال حکومت، با بهره‌گیری از نیروی بالقوه مذهب تشیع، تمام اقوام ایرانی را در کنار یکدیگر قرار دادند و در مقابل اهل‌سنّت، اتحاد مذهبی ایجاد نمودند. آنان با توجه به مکان‌های گوناگون و با کاربست روش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، مذهب تشیع را در ایران نهادینه کردند.

بعد از ورود اسلام به سرزمین ایران، مردم شهر ساوه آن را پذیرفتند و در ادامه، شافعی‌مذهب شدند. آنها پس از روی کار آمدن حکومت صفویه، مذهب شیعه را اختیار کردند. زمینه گرایش به تشیع در مردم ساوه وجود داشت. در این میان، شافعی مذهب[1] بودن آنان و هم‌جواری با قم و آوه، به‌عنوان دو مرکز شیعی، به همراه تدابیر دولت صفویه، موجب شد تغییر مذهب در این شهر، بدون درگیری و خشونت انجام شود. حال سؤال این است که صفویان با استفاده از چه راهکارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، موفق به گرایش دادن مردم ساوه به تشیع شدند؟

در موضوع تغییر مذهب مردم ساوه از شافعی به تشیع، به طور خاص اثری یافت نشد، امّا مقالاتی وجود دارد که در آنها، حکومت صفویه از دیدگاه‌های مختلف بررسی شده‌اند. همچنین در مورد شهر ساوه و گذشته تاریخی آن نیز مقالاتی به رشته تحریر درآمده است. هرکدام از این مقالات، به قسمتی از موضوع اشاره دارد که به‌عنوان‌مثال به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

مقاله «نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفویه» (حسن‌آبادی، ۱۳۸۶، ص۶۳-۷۸) به مباحث موقوفات و چگونگی دریافت مالیات در عهد صفویان اشاره شده است. در این میان، بخشش‌های مالیاتی و صرف درآمد موقوفات برای عمران و آبادی، از نکات قابل استفاده در این پژوهش مقاله بود.

۱. شافعی بنیانگذار دومین مذهب فقهی اهل‌سنت است. او دوستدار اهل‌بیت ﷺ بود و این نکته در اشعارش انعکاس دارد. رفتار او در ارادت به خاندان عصمت و طهارت ﷺ به‌گونه‌ای بود که او را رافضی می‌خواندند (شافعی، ۱۴۱۴، ص۷۲).

دو مقاله «آموزش‌های نظری در عصر صفویه» (حسنی، ۱۳۸۵، ص۱۵۳-۱۶۸) و «بررسی تعلیم و تربیت در دوره صفویه» به اهمیت و نقش حاکمان صفوی در آموزش همگانی، ساختن مساجد و مدارس به‌عنوان مراکز آموزشی آن دوران پرداخته است.

مقاله «بررسی کاروان‌سراهای عصر صفوی» (منتظرالقائم، ۱۳۹۰، ص۲۲۹-۲۳۷)، به موضوع ساختن کاروان‌سراها که تأثیر فراوانی در آسایش مردم در سفرهای تجاری و تشویق آنان برای رفتن به سفرهای زیارتی داشت و نیز روش‌های مورد استفاده صفویه در تغییر مذهب اشاره دارد.

دو مقاله «جغرافیای تاریخی ساوه» (رضوانی، ۱۳۸۵، ص۱۷-۳۲) و «ساوه در گذر زمان» (کریمیان و رحیم‌نژاد، ۱۳۹۶، ص۸۱-۱۰۲) نیز به نکاتی از قبیل وجود بعضی از قبایل در ساوه و ویژگی‌های جغرافیایی و سیاسی ساوه اشاره دارند.

شهر ساوه در مرکز ایران واقع شده است و محدوده آن از شمال به شهرستان زرندیه و استان قزوین، از جنوب به شهرستان تفرش و استان قم، از شرق به استان تهران و از غرب و جنوب غربی به استان همدان محدود می‌گردد (برسوی، ۱۴۲۷، ص۲۹).

ساوه یکی از شهرهای ایران با قدمت تاریخی است. در زمان ساسانیان که مذهب زرتشت، دین رسمی ایران بود، مردم ساوه نیز زرتشتی بودند (قمی، ۱۳۸۵، ص۱۵، ۴۴ و ۱۰۲)؛ بنابراین مردم ساوه قبل از ورود اسلام، زرتشتی بودند. دین مسیحی و یهودی نیز در بین آنان رواج داشت، امّا دین غالب آنان زرتشتی بود. انتقال مادر آتشکده‌ها از قم به ساوه، که همواره باید روشن باشد، حاکی از وجود زرتشتیان در شهر ساوه قبل از ورود اسلام است (همان، ص۱۴). پس از فتح جبال و نبرد نهاوند در سال ۲۳ق، عماربن‌یاسر به امر خلیفه دوم، والی کوفه، عروه‌بن‌زید الخیل را با هشت هزار سپاهی از مسیر همدان ـ ساوه به‌سوی ری فرستاد (ابن‌فقیه، ۱۴۱۶، ص۵۳۷) و فتح ساوه در همین نبرد رخ داد.

پس از فتح ایران، مردم ساوه مسلمان شدند و به مذهب شافعی گرایش یافتند (حموی، ۱۹۸۰م، ص۴۲۱). در نزدیکی ساوه، شهر آوه قرار داشت که دارای مردمانی شیعی‌مذهب بود (همان) و همواره بین آنها جنگ و جدل جریان داشت (قزوینی، ۱۳۷۳، ص۴۵۶). این دو شهر تا زمان حمله مغول در سال ۶۱۷ق آباد بودند و این یورش، باعث خرابی شهر ساوه و از بین

رفتـن کتابخانه بزرگ شـهر شـد (حموی، ۱۹۸۰م، ص۴۲۱). شـهر سـاوه، در زمـان حکومت صفویه بازسازی و آباد شد (قزوینی، ۱۳۷۳، ص۴۵۶).

ایـن موضـوع دارای اهمیت زیادی اسـت کـه دولت صفویه، به‌عنوان اولیـن دولت مقتدر ایرانی، با به‌کارگیری توانایی بالقوه مذهب تشیع، حاکمیت خود را تثبیت کرد و ایرانی متحد را در مقابل قدرت‌های آن زمان به وجود آورد. آنان با اسـتفاده از روش‌های مختلف سیاسـی، مذهبـی و اقتصادی، تمام توان خود را در مسـیر اسـتقرار دولت شـیعی بـه کار بردند. روش‌ها و عملکـرد آنـان در تغییر مذهب، در پاره‌ای جهات، به نفع مذهب تشـیع و در بعضی موارد، سـبب بدعت‌هایی شـد که شـکاف عمیقی در میان امت اسـلامی ایجاد کرد. واکاوی روش آنان در تغییر مذهب هر شهر باعث می‌شود که عملکرد آنان از زوایای مختلف بررسی و نقاط ضعف و قوت آن مشخص شود.

۱. راهکارهای سیاسی در گرایش مردم ساوه به تشیع

حاکمان صفویه برای تغییر مذهب مردم از روش‌های متفاوت سیاسی استفاده می‌کردند. آنهـا بـا ادغـام دین و سیاسـت، از دین بیشـترین بهره‌بـرداری را در راسـتای تحکیـم قدرت و حکومت خود بردند. در ادامه، به روش‌های سیاسی در جهت تغییر مذهب اشاره می‌شود.

۱،۱. ساوه، پایگاه نظامی گسترش تشیع

دولت صفویه برای اسـتقرار سـپاهیان و محل نگهداری مهمات جنگی، در نزدیکی شـهر ساوه اقدام به تأسیس زرادخانه[1] کرده بود (فراهانی، ۱۳۶۲، ص۳۰۲) در واقع، ساوه زرادخانه (قورخانه) صفویه بود (باباپور، ۱۳۹۱، ص۳۷۴) و قورچیان قزلباش، در قورخانه بیرون شهر ساوه مستقر بودند. واضح اسـت که قورچیان قزلباش برای تأمین نیازهای خود به شـهر سـاوه رفت و آمد داشتند. کلاه قزلباش به‌گونه‌ای طراحی شـده بود که ائمه دوازدگانه را یادآوری می‌کرد و مهم‌ترین شـعائر شـیعی نیـز اعتقـاد به ائمـه علیهم‌السلام بود. صفویـه با طراحی کلاهـی که یـادآور این اعتقاد مـردم بود

۱. در فارسـی به معنی جای اسـلحه و ابزار جنگ اسـت که از جبه عربی به معنای زره و سـنان مأخوذ شـده اسـت. زرادخانه و قورخانـه در عصـر صفویه به اداره اسلحه‌سـازی اطلاق می‌شـد و رئیس آن را جبه‌داراباشـی می‌خواندنـد (فراهانی، ۱۳۶۲، ص۳۰۲)

توانستند با هنرنمایی تجسمی و بهره‌گیری از بهترین شیوه تبلیغِ اولین دیدار که همواره در ذهن ماندگار می‌شود، تشیع را بدون استفاده از گفتار تبلیغ کنند. این کلاه به رنگ قرمز بود و ۱۲ ترک به نشانه دوازده امام داشت و همه سپاهیان قزلباش از این کلاه که نماد تشیع و انقیاد در برابر شاه بود، استفاده می‌کردند (باربارو، ۱۳۸۱، ص۳۴۷ و بنکدار، ۱۳۹۵، ص۱۹۵-۲۱۸). حضور سپاه قزلباش در بین مردم با کلاه نمادینی که نشان‌دهنده تعداد ائمه علیهم‌السلام بود، مؤثرترین روش تبلیغ در دین بود. کارکرد نمادسازی، رسیدن سریع به هدف است. اگرچه این نماد در تمام نقاط ایران کاربرد داشت، اما در شهر ساوه به علت وجود پایگاه نظامی و رفت و آمد قزلباش‌ها در بین مردم، تاثیر بیشتری نهاد.

۱،۲. نقش مناصب حکومتی علما در گسترش تشیع

قزلباش با تفکرات صوفیانه، توانمندی تشکیل حکومت را نداشت. آنان باید حکومتی با ساختار اسلامی به وجود می‌آوردند؛ بنابراین برای اداره کشور، نیازمند بهره‌گیری از مبانی فقهی بودند تا ساختار حکومت خود را بر مبنای صحیح پایه‌ریزی کنند. صفویان که برای سامان بخشیدن به حکومت خود، به حضور و حمایت عالمان شیعه نیاز داشت، از علمای شیعه درخواست کرد تا با حکومت همکاری کنند. علما ضمن پاسخ به این دعوت، باور رایج صفویه را در قالب حکومت الهی شاه حفظ کردند و آن را به تشیع اثنی‌عشری تبدیل نمودند (ابی‌صعب، ۱۳۹۶، ص۱۰۱). در دوره صفویه، مناصب عالی دینی به علما سپرده شد و آنان امور دینی و دنیوی مردم را سروسامان می‌دادند (میرخواند، ۱۲۷۰، ص۴۶۴). واضح است زمانی که عالمی خودساخته در شمار کارگزاران حکومتی قرار گیرد و در پاسخگویی به نیازهای دینی و دنیوی مردم توانمند باشد، مردم نیز به مذهب چنین فردی گرایش می‌یابند. در این دوره، ایالات عراق عجم در قبال سایر ایالات، وضع خاصی داشت. ساوه نیز در سال ۱۰۱۵ق، حاکم‌نشین بود (استرآبادی، ۱۳۷۷، ص۷۸۶) و به امر شاه، به شرعیات و وقفیات حاکم‌نشینانی مانند ساوه، از طریق صدارت عام رسیدگی می‌شد (مرعشی، ۱۳۷۹، ص۱۱۵ و کریمیان و رحیم‌نژاد، ۱۳۹۶، ص۱۱۶). در این میان، یکی از مهم‌ترین مشاغل، مقام تولیت آستانه بود که با فرمان‌ها و نشان‌های پادشاهان وقت تأیید می‌شد (مدرسی طباطبایی، ۱۳۳۵، ج۱، ص۱۹۴ و ۱۳۶۱، ص۲۲۹). علما

و سادات ازجمله گروه‌هایی بودند که شاه تصدی امور موقوفات را به آنها سپرد. در ساوه نیز به‌رسم حکومت صفویه چنین بود. به علّت موقوفات عهد صفویه (شاملو، ۱۳۷۵، ج۱، ص۱۹۷) در ساوه، به افرادی نیاز بود که بتوانند در این مقام ایفای نقش کنند. در این زمینه به شواهدی اشاره می‌شود:

امیر ابوالولی فرزند شاه‌محمود انجو حسنی حسینی شیرازی، از سادات بود. او مردی عالم، فاضل، متکلم، فقیه و شیعه متعصب بود (افندی، ۱۳۸۹، ج۴، ص۹۶). او در سال ۹۸۴ق متولی آستانه شیخ صفی‌الدین در ساوه شد (ترکمان، بی‌تا، ص۱۴۸-۱۸۲). متولی اختیار داشت درآمد موقوفات را در پیشبرد تعلیم‌وتربیت و پرداخت حقوق معلمان هزینه کند (شاردن، ۱۳۷۲، ج۳، ص۹۳۹). امیرابوالولی، به‌عنوان یکی از فقهای شیعه امامیه، در تغییر مذهب مردم ساوه نقش داشت. او از قول خواجه جمال‌الدین شیرازی و سیدصفی‌الدین استرآبادی حدیث نقل می‌کرد و به‌واسطه پدر خود، از شیخ ابراهیم قطیفی روایت می‌نمود. سیدحسین کرکی از شاگردان شیخ بهایی، و سیدنعمت‌الله جزائری و شیخ ابراهیم حرفوشی از وی روایت کرده‌اند (خوانساری، ۱۳۹۰، ج۸، ص۱۷۹ و صدر، ۱۴۲۹، ج۴، ص۴۲۷). التزام امیرابوالولی به نقل روایت از معصومین علیهم‌السلام از یک‌سو و دارا بودن مقامات اجرایی دولت صفویه از سوی دیگر باعث شد که تغییر مذهب در بین مردم ساوه سریع‌تر انجام شود. به‌عبارت‌دیگر، آگاهی وی به روایات معصومین علیهم‌السلام و رواج آنها در میان مردم و نیز دارا بودن منصب سیاسی باعث شد که وی نقشی اساسی در تغییر مذهب ساوجیان ایفا کند.

۱،۳. نقش حاکمان محلی ساوه در گسترش تشیع

حاکمان محلی ساوه نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش تشیع در این منطقه داشتند. آنها از یک‌سو با مردم در ارتباط بودند و از سوی دیگر با یاری دادن به شاهان صفوی در جنگ‌ها، توجّه حکومت را به شهر و دیار خود جلب می‌کردند. شاهان صفوی در دوره‌های آغازین حکومت و در زمان تثبیت خود، در انتخاب حاکمان محلی، به توانمندی فرد در عمران و آبادانی و همچنین شیعه بودن آنها تکیه می‌کردند. آنها افرادی را انتخاب می‌کردند که صلاحیت داشته باشند تا باعث تثبیت قدرت دولت صفویه شوند. افرادی که مناصب

حکومتی داشتند، در راستای آبادانی و عمران تلاش می‌کردند و همین امر سبب می‌شد که سطح زندگی مردم تغییر کند. چنین رفتاری در نهایت سبب می‌شود که مردم با حاکم همکاری کنند و در پذیرش خواسته‌های او کوشش کنند. ترویج تشیع ازجمله اهداف حاکمان صفوی بود که از طریق عمران و آبادانی شهرها قابل دسترسی بود.

ساوه در عصر صفویان، به‌عنوان اقطاع یا تیول، از سوی پادشاهان به افراد مهم حکومتی واگذار شد. ازجمله در سال ۱۰۰۶ق شاه‌عباس اول فرمان داد تا ساوه را به اقطاع به جهانگیر والی نور تحویل دهند که این فرد نیز در جهت آبادانی شهر ساوه تلاش کرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۵، ج۲، ص۳۶۱). بنابراین تلاش افرادی مانند جهانگیر، روند گرایش به تشیع مردم ساوه را تسریع کرد. در ادامه، به تعداد دیگری از این حاکمان اشاره می‌شود:

شاه اسماعیل صفوی پس از فتح جبال، در سال ۹۱۴ق خواجه شمس‌الدین پیرمحمد ساوجی را به حکومت ساوه منصوب کرد. خواجه پیرمحمد در آبادانی و عمران ساوه کوشش نمود؛ ازجمله در جنوب میدان اصلی ساوه، مسجدی باشکوه بنا کرد که نام وی و تاریخ اتمام بنا بر سر در ورودی آن نوشته شده‌است. در کنار این مسجد، آرامگاه برخوردار بیگ، فرمانده توپخانه ایران به صورتی باشکوه ساخته شد (شاردن، ۱۳۷۲، ج۲، ص۵۱۲ و ذکایی ساوجی، ۱۳۸۶، ص۱۴۶). فرد دیگری که در تغییر مذهب مردم ساوه نقش داشت، سیدناصر سیدمبارک بود که به حکم شاه‌عبّاس اول به حکومت ساوه رسید. سیدمبارک نخستین فرد از خاندان مشعشعیان است که خان نامیده شده است (دلاواله، ۱۴۲۷، ص۱۱۰؛ فسایی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۱۰۸۵ و کسروی، ۱۳۸۴، ص۶۷). وجود چنین افرادی با اعتقادات شیعی، زمینه گرایش مردم ساوه به مذهب تشیع را فراهم آورد. انتخاب سیدناصر به‌عنوان حاکم ساوه، که از سادات و از سلسله مشعشعیان بود، حکایت از اهمیت مذهب افراد و توانمند بودن در تبلیغ آن دارد. حاکم توانمند شیعه که از نسل ائمه علیهم‌السلام باشد، نقش محوری در گرایش مردم به تشیع خواهد داشت. شاهان صفوی، در ساوه از این استعداد بالقوه برای تغییر مذهب بدون اجبار بهره بردند.

۲. راهکارهای اقتصادی صفویان در گرایش مردم ساوه به تشیع

دولتمردان صفوی در مسیر عمران و آبادانی کشور تلاش فراگیری از خود نشان دادند

کـه ایـن امر در ابتدای حکومت آنها بسـیار چشـمگیر بـود. در همین راسـتا، آنها از روش‌های اقتصـادی بیشـترین بهره را بردنـد. در ادامه، به راهکارهای اقتصـادی صفویه در جهت تغییر مذهب پرداخته خواهد شد.

۲،۱. بخشودگی مالیاتی و عواید موقوفات

بخشـودگی مالیاتـی با عناوین مختلـف، قبل از حکومت صفویه رواج داشـت. در تاریخ ایران، بخشودگی مالیاتی در بین بعضی از شاهان، برای آبادانی کشور مرسوم بود. یکی از انواع این بخشودگی، به «سیورغال»[1] (مشتاقی، ۱۳۶۶، ص۱۱۱ و ریچی، ۱۳۸۷، ص۱۲۳) مشهور است. اعطای سـیورغال و بخشـش‌های مالیاتـی (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱، ص۱۵۴) و هزینـه کردن آن در جهت بهبود وضعیت مردم، در گرایش مردم سـاوه به تشـیع نقش داشـت. آستان شاهزاده حسین در ساوه، از اماکن متبرکه‌ای بود که شاهان صفوی عایدات موقوفات آن را به متولی آن بخشیدند تا از طریق کسب درآمد آن، هزینه زندگی کارگران و کشاورزان تأمین شود. در وقف‌نامه آستان مقدس شاهزاده حسین چنین آمده‌است: «در این وقت بنا بر عنایت بی‌غایت شاهانه درباره متولیان مزار متبرکه منوره امامزاده حسین علیه‌السلام مبلغ دو هزار دینار تبریزی از بابت مال و جهات مزرعه مرد کران ساوه که از زمان شاه جنت‌مکان علیین‌آشیان، به سیورغال مزار متبرکه مقرر بـود به دسـتور به سـیورغال ابدی و احسـان سـرمدی مزار متبرکه شـفقت و مرحمـت فرموده، ارزانی داشتیم» (میرخواند، ۱۲۷۰، ص۳۶۰ و شاردن، ۱۳۷۲، ج۴، ص۱۵۷۳). همچنین در جای دیگر، نام متولیان نیز ذکر شده است: «... در واگذاردن مبلغ دو هزار دینار تبریزی از بابت مال و جهات مزرعه مرد کران سـاوه... با ذکر نام متولیان آسـتانه در آن تاریخ که سـه تن با نام‌های درویش قنبـر و درویش عرب‌قلـی و درویش محمدعلی بوده‌اند» (مدرسـی طباطبایـی، ۱۳۶۱، ص۱۵۶). این بخشـش مالیاتی در زمان صفویه که با ذکر نام افراد آمده اسـت، اجرا می‌شد. واضح است که چنین بخشش‌هایی که باعث می‌شود سطح زندگی مردم از نظر اقتصادی بهبود یابد، گرایش مردم به مذهب چنین افرادی را بیشتر می‌کند.

۱. سـیورغالات: لفظی ترکی، جمع سـیورغال به معنی انعـام، مدد معاش، تیـول و زمینی که پادشـاه برای معیشـت به ارباب استحقاق بخشد. عواید زمین که به‌جای حقوق یا مستمری به اشخاص بخشند (مشتاقی نایینی، ۱۳۶۶، ص۱۱۱ و ریچی، ۱۳۸۷، ص۱۲۳).

بهبود وضع اقتصادی مردم به آنها کمک می‌کند تا در شرایط بهتری تصمیم بگیرند. پذیرش حکومت و انجام دستورات آن و همدلی با مسئولین دولتی در این وضعیت امکان‌پذیر است. حکومت صفویه باتوجه‌به عزم در عمران و آبادانی و بهبود شرایط اقتصادی مردم، برنامه‌هایی را اجرایی کرد تا به هدف خود برسد. یکی از اهداف مهم آنها، تغییر مذهب بود که با توجه به شرایط موجود انجام شد.

۲،۲. رونق کشاورزی و بازرگانی و سفرهای سیاحتی و زیارتی

شهر ساوه از یک‌سو به علّت ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی و از سوی دیگر شاهراه بودن برای عبور کاروان‌ها، موردتوجه شاهان صفوی بود. این مکان همچنین تفرجگاه و شکارگاه سلاطین بود (جنابندی، ۱۳۷۸، ص۳۱۳). کشاورزی با بازسازی سد (لسترینج، ۱۴۱۳، ص۲۴۸) (معروف به بند شاه‌عباس) که در زمان سلجوقیان توسط خواجه شمس‌الدین ساخته شد (شاردن، ۱۳۷۲، ص۵۱۶) و به مرور زمان دچار آسیب‌دیدگی شده بود، رونق گرفت.

پذیرش یک حکومت و خواسته‌های آن در فضایی شکل می‌گیرد که سطح زندگی عامه مردم تغییر کند. برنامه صحیح اقتصادی باید در زندگی مردم نمود پیدا کند و تحول از خرابی به‌سوی آبادانی، خواست اقشار ضعیف و قوی است. دولت صفویه، این تحول را در شهر ساوه ایجاد کرد و به همین علّت، یکی از عواملی که مردم در مقابل تغییر مذهب واکنش منفی نشان ندادند و آن را پذیرفتند، پیگیری حکومت در عمران و آبادانی بود. ساختن کاروان‌سراها و رباط‌ها در دوران صفویه باعث رفاه و امنیت مسافران و همچنین رونق اقتصادی شد (سیلوا ای فیگر، ۱۳۶۳، ص۲۵۸ و جملی کارری، ۱۳۴۸، ص۵۱). بازرگانان و زوار قبور ائمه علیهم‌السلام و امامزادگان، در چنین مکان‌هایی امنیت مالی و جانی داشتند و ازاین‌رو، سفرهای تجاری و زیارتی رونق یافت. همچنین معماری کاروان‌سراها و وجود امکانات رفاهی مناسب باعث جذب جهانگردان خارجی شد.

در این میان، ساوه در مرکز کشور واقع شده و شاهراه عبور مسافران بود. وضعیت جغرافیایی شهر ساوه سبب می‌شد این شهر در راهبرد ملی صفویان قرار گیرد. همچنین توسعه شبکه‌های ارتباطی و فضاهای شهری را که با ساخت راه‌ها، کاروان‌سراها، رباط‌ها و

پل‌های فراوان توأم بود، نصیب خود سازد. به همین علّت ساوه در زمان شاه‌عبّاس اول در مسیر آبادانی حرکت کرد.

عبور کاروان‌ها، به‌ویژه کاروان‌های زیارتی از شهر ساوه سبب ارتباط بیشتر شیعیان با مردم ساوه می‌شد و از این طریق، مذهب تشیع به‌صورت غیرمستقیم مورد تبلیغ قرار گرفت. کاروان‌سراها محل امنی برای استراحت قافله‌ها بود و وجود آنها مسافران را ترغیب به سفر می‌کرد. تعدادی از کاروان‌سراهای اطراف ساوه (درووِیل، ۱۳۷۰، ص۷۶) عبارتند از: کاروان‌سرای آوه (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ج۴، ص۱۸۵)، کاروان‌سرای زینب‌بیگم در نزدیکی ساوه (شادرن، ۱۳۷۲، ج۲، ص۵۱۵)، کاروان‌سرای هُجَیب در ۴۸ کیلومتری جاده بوئین‌زهرا به ساوه (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ج۴، ص۶۵۵)، کاروان‌سرای ورده (شاه‌عباسی) در شرق شهر مأمونیه (همان)، کاروان‌سرای عبدالغفارخان باغ شیخ که این کاروان‌سرا در روستای باغ شیخ قرار دارد (قاجار، ۱۳۶۴، ص۳۴۴) و کاروان‌سراهای شاه‌عباسی در حوالی دهستان دستجرد (افشار، ۱۳۸۲، ص۱۷۲) که در بخش خلستان در نزدیکی ساوه است. اغلب این کاروان‌سراها متعلق به دوره صفویه و در دوران شاه‌عباس اول است.

نکته مهمی که در زمینه ساختن کاروان‌سراها وجود دارد، اهتمام سازندگان آن به مرمت و تعمیر آن بود. آنها بعد از ساخت کاروان‌سرا و وقف آن، پیگیر وضعیت آن بودند. برای مثال، زینب‌بیگم، دختر شاه‌طهماسب، پس از آنکه هزینه ساخت کاروان‌سرای نزدیک ساوه، معروف به بیگم را تقبل کرد، افرادی را برای نظارت در این کاروان‌سرا گماشت تا رفاه حال مسافرین را تأمین کنند و همواره مراقب آن باشند تا از بین نرود. این بانو به شدت مراقبت داشت که تمام ملزومات زندگی در این کاروان‌سرا، بی‌نقض باشد. مردم می‌گویند ملکه مادر، چهار هزار تومان معادل ۱۸۰ هزار لیور خرج ساختن این بنا کرده است (شاردن، ۱۳۷۲، ج۲، ص۵۱۵). دلاواله در سفرنامه خود می‌نویسد: «پنج‌شنبه شش فرسنگ دیگر راه رفتیم و شب را در کاروان‌سرای بزرگی که در محل نسبتاً دورافتاده‌ای بنا شده بود و کاروان‌سرای بیگم خوانده می‌شد به سر آوردیم. این کاروان‌سرا توسط زینب‌بیگم، دختر شاه‌طهماسب و عمه شاه‌عباس، که اکنون نیز حیات دارد ساخته شده و اطراف آن تماماً متعلق به اوست» (دلاواله،

۱۳۸۴، ص۳۴۶). با چنین رویکردی در ساخت اماکن و وقف آن و همچنین پیگیری وضعیت کاروان‌سراهایی که هزینه فراوانی برای ساخت آن صرف شده بود، جذب مردم به مذهب سازنده آن بیشتر خواهد شد.

۳. راهکارهای فرهنگی ـ اجتماعی حکومت صفویه در گرایش مردم ساوه به مذهب تشیع

از دیگر عواملی که حکومت صفویه در راستای تغییر مذهب از آن بهره گرفت، عوامل فرهنگی بود؛ ازجمله:

۳،۱. ایجاد فرهنگ کوچ‌نشینی توسط شاه‌عبّاس اول

کوچ‌نشینی از جمله عوامل دارای تأثیرات فرهنگی است. افراد کوچ‌نشین به‌تبع نوع زندگی، با مردم بسیاری در ارتباط هستند و همواره در حال رفت و آمدند. انتقال فرهنگ به دلیل هم‌جواری بسیار آسان اتفاق می‌افتد و شاهان صفوی با درک این نکته، کوچ‌نشینی را رواج دادند. افراد کوچ‌نشین دارای عقاید شیعی بودند و همین امر سبب انتقال مذهب تشیع به‌صورت نامحسوس بود. در ادامه، برخی از گونه‌های کوچ‌نشینی در دوره صفویه بیان می‌شود.

۳،۱،۱. کوچ طایفه قزلباش به اطراف ساوه

یکی از عوامل تأثیرگذار در گرایش به تشیع، هم‌جواری مردم با کوچ‌نشینان شیعی‌مذهب بود. کوچ‌نشینی از دیرباز در فرهنگ ایرانیان مرسوم بود. شاهان صفوی نیز از این روش بهره بردند.

رساله و دست‌نوشته‌ای در دوران قاجار از مولف ناشناس وجود دارد که به قورخانه (زرادخانه)ای در اطراف شهر ساوه اشاره دارد که توسط صفویان برای استقرار سپاهیان قزلباش ساخته شد (باباپور، ۱۳۹۱، ص۳۷۴-۳۸۰). با ساخته‌شدن این زرادخانه، افراد قزلباش به اطراف ساوه کوچ کردند. ارتباط قزلباش به علّت هم‌جواری با مردم ساوه، سبب انتقال فرهنگ و مذهب در شهر ساوه شد. بنابراین، عامل کوچ‌نشینی باعث شد تا ملیت‌ها و مذاهب گوناگون در مجاورت یکدیگر قرار گیرند و بر اثر هم‌جواری، تبادل علمی، فرهنگی و مذهبی صورت پذیرفت و به همین علّت، مذهب مردم به‌تدریج تغییر کرد.

۳،۱،۲. کوچ ایل بیات به اطراف ساوه

گروهی از ایل بیات[1] در دشت‌های ساوه و زرند مستقر شدند (ضرابی، ۱۳۷۸، ص۲۱۳) و آنجا را به‌عنوان قلمرو زمستانه خود برگزیدند. ایل بیات از گروه‌هایی بودند که در آغاز حکومت صفویه به آنان پیوستند (پطروشفسکی، ۱۳۵۴، ص۳۸۷). آنان دوستدار اهل‌بیت علیهم‌السلام و اکثر آنها شیعی‌مذهب بودند (شیروانی، بی‌تا، ص۱۷۹). بعدها شاه‌عباس صفوی حکومت ایالت همدان را به اغورلر بیات تفویض کرد. بنابراین منطقه عراق عجم تحت نظارت ایل بیات که شیعی‌مذهب بودند، قرار داشت. ایل بیات از یک طرف شیعی‌مذهب بودند و از طرف دیگر مطیع شاه‌عبّاس (بدلیسی، ۲۰۰۶، ج۱، ص۹۵ و صالحی، ۱۳۹۲، ص۱۱۶-۱۲۷). همین امر باعث می‌شد تا هم‌جواری ایل بیات با مردم ساوه، آنها را به پذیرش تشیع از یک‌سو و همراهی با حکومت از سوی دیگر ترغیب کند.

۳،۱،۳. کوچ ایل شاهسون به اطراف ساوه

در سال هفدهم حکومت شاه‌عباس، در جریان تسخیر آذربایجان، نزدیک به دو هزار خانوار شاهسون نزد او آمدند. آنها مورد حمایت شاه‌عباس واقع شدند و در شهرهای ری، ساوه و فیروزکوه مسکن گزیدند و بسیاری از آنان، در خدمات دیوانی مشغول به کار شدند (نصیری، ۱۳۷۳، ص۲۹۰). همچنین گفته شده است: «در زمان شاه‌عباس صفوی جمعی از نمك‌به‌حرامان قزلباشیه بر شاه خروج کرده، پای جرأت و جسارت پیش نهادند. شاه‌عباس فرمود: شاه سون گلون، یعنی هرکه شاه را دوست دارد بیاید. از هر فرقه آمده و طاغیان شاه را شکست دادند. پادشاه آن جماعت را شاهسون نام نهاد و اکنون در میان آن طایفه، طوایف مختلف است» (شیروانی، بی‌تا، ص۳۱۹-۳۲۰ و کریم‌زاده، ۱۳۵۲، ص۷۵-۷۸).

قبایل شاهسون اینانلو و بغدادی بزرگ‌ترین قبایل خرقان و ساوه و هر دو از نژاد ترک هستند. ایل شاهسون در نقاط مختلف اطراف شهر ساوه زندگی می‌کردند. ویژگی طبیعی و داشتن روستاهای آباد، داشتن مناطق کوهستانی سرد و جلگه‌های گرم سبب شد تا ایلات

۱. «... طایفه بیات، اصل آنها از دشت قبچاق ترکستان است که در زمان قدیم با ایل قشقائی به فارس آمده‌اند، دو قبیله گشته، یکی با ایل قشقائی موافقت نموده، صحرانشین شده‌اند و دیگری در شهر شیراز توطن نموده‌اند...» (فسایی، ۱۳۸۲، ج۱، ص۵۱ و ستوده، ۱۳۸۵، ص۱۱۲).

شاهسون در اطراف ساوه ییلاق و قشلاق‌کنند (قاجار، ۱۳۶۴، ص۳۴۳؛ ناصرالدین قاجار، ۱۳۶۲، ص۱۸۱-۱۸۲؛ ستوده، ۱۳۸۵، ص۲۹۷ و ورجاوند، ۱۳۷۵، ص۴۶۱-۴۶۲). محلّ ییلاق و قشلاق ایل شاهسون بغدادی و طایفه کلوند، ییلاق از خرقان خلج تا خرقان افشار قشلاق در شهریار و زرند ساوه بود (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، ص۱۸۳).

هندس (اندس) از روستاهای ساوه می‌باشد که اهالی آن، ایل شاهسون بغدادی هستند. گروه‌های اینانلو، کردبگلو، دوریان و بغدادی، از شاهسون‌های ساوه هستند که شباهت اساسی با شاهسون‌های دشت مغان داشتند (تاپر، ۱۳۴۷، ص۳۳). ایل شاهسون گرایش شیعی داشتند، امّا دین اسلام را کامل نمی‌شناختند. از میان معصومین، نام امام حسین علیه‌السلام را بر زبان جاری می‌ساختند و به حضرت ابوالفضل علیه‌السلام تمسک می‌جستند. آنان قومی مطیع شاه و سرکش و شجاع بودند (دلاواله، ۱۳۸۴، ص۱۷۳ و۱۶۰-۱۶۱ و شیروانی، بی‌تا، ص۶۴).

آنچه مهم است ارتباط این گروه با حکومت صفویه و کوچ آنها به ناحیه ساوه و ارتباطشان با مردم ساوه است. باتوجه‌به عوامل موجود، عامل هم‌جواری نیز می‌تواند در گرایش مذهبی تأثیرگذار باشد. اگرچه مردم ساوه سال‌ها با مردم آوه که فاصله کمی تا ساوه دارد، هم‌جوار بودند، امّا هم‌جواری مردم آوه که شیعه بودند در گرایش مذهبی مردم ساوه تأثیر نداشت. زمانی که دولت صفوی با اقداماتی نظیر عمران و آبادانی و توجه به معیشت مردم را در جهت تغییر مذهب انجام داد، هم‌جواری به‌عنوان عامل ترغیب‌کننده توانست این تغییر را سرعت ببخشد.

۳،۲. تأثیر تعلیم‌وتربیت در گرایش مردم ساوه به مذهب تشیع

آموزش در حکومت صفویه، موردتوجه خاص قرار گرفت و ساختن مدارس و مساجد به‌عنوان نهاد آموزشی و وقف آن رایج گردید (شاردن، ۱۳۷۲، ج۳، ص۹۳۹). شاهان صفویه با فعال کردن مراکز آموزشی و احداث مدارس، آموزش همگانی را وسعت بخشیدند.

۳،۲،۱. ساختن مدارس علمیه و مساجد به‌عنوان پایگاه آموزشی

مسجد مهم‌ترین نقش را در تغییر دادن مذهب داشت. بنابراین ساختن مساجد از نظر تعلیم‌وتربیت همگانی اهمیت فراوان داشت؛ زیرا از این روش در جهت تغییر بینش مردم بهره

می‌بردند. صفویان از مسجد به‌عنوان مکان آموزشی استفاده می‌کردند. در سفرنامه اولئاریوس آمده است: «ایرانی‌ها فرزندان خود را به‌راحتی و زودتر از معمول به مدرسه می‌فرستند. مساجد آنان که محل عبادت است، مدرسه نیز هست و هر شهر به تعداد کوچه‌های آن مسجد دارد....در ابتدا و آغاز درس، چند آیه از قرآن مجید را از رو تلاوت می‌کنند و بعدها به مرور زمان، قرائت قرآن کریم از آغاز تا پایان، جزئی از درس آنان را تشکیل می‌دهد. پس از تلاوت قرآن، گلستان شیخ و بوستان وی و نیز حافظ که اثر او نیز مانند بوستان، سرشار از نصیحت و اندرز است خوانده می‌شود» (اولئاریوس، ۱۳۶۳، ص۳۰۱-۳۰۲). بنابراین، فرهنگ شیعی به‌صورت سنّتی در کودکی و در مسجد به فرزندان آموزش داده می‌شد (زمانی، ۱۳۹۰، ص۱۲۲-۱۴۱). به همین علّت، برای ترویج فرهنگ تشیع، مساجد و مدارس علمی بسیاری ساخته شد. در ساوه نیز مساجد خراب، بازسازی و مساجد جدید نیز احداث شدند. ازجمله مساجد احداثی می‌توان به نمونه‌های ذیل اشاره کرد:

مسجد میدان بزرگ که مطابق کتیبه سر در آن در سال ۹۲۴ق در زمان اسماعیل بهادرخان به دست خواجه شمس‌الدین محمد بنا شده است (شاردن، ۱۳۷۲، ج۲، ص۵۱۶؛ امینی هروی، بی‌تا، ص۳۹۵؛ رزم‌آرا، ۲۵۳۵، ج۱، ص۱۰۹). همچنین دو مسجد با هزینه یوسف عادل‌شاه که از بیجار هند فرستاد، تأسیس شدند (آژند، ۱۳۸۰، ص۴۱۰ و عالمی، ۱۳۹۳، ص۷۹-۱۰۶).

یکی از عواملی که حکومت و خواسته‌های آن را از سوی مردم، قابل پذیرش می‌کند، ترویج آموزش رایگان و ساختن مدارس است. حکومت صفویه در این زمینه تلاش کرد و در همه جای ایران و به‌تبع آن در ساوه، مدارس و حوزه‌های علمیه ساخته شد. تغییر مذهب، با آموزش در مدارس همراه شد و همین مسئله به مردم در انتخاب مذهب کمک کرد.

براین‌اساس، صفویان از عایدات کاروان‌سراها و اماکن عام‌المنفعه، مخارج مدارس علمی را تأمین می‌کردند. در ساوه، بناهای عام‌المنفعه بسیاری احداث گردید. فراوانی کاروان‌سراها و موقوفات که عامل اصلی در جهت علم‌آموزی بود، در ساوه بسیار دیده می‌شد. شاردن در سفرنامه خود به عایدات همه مدارس اشاره می‌کند. این عایدات از طریق موقوفات و نذورات تأمین می‌شد (شاردن، ۱۳۷۲، ج۳، ص۹۳۷ و بخشی، ۱۳۹۶، ص۱۹).

۳،۲،۲. احداث و بازسازی اماکن متبرکه

شـاهان صفوی توجه و اهتمام ویژه‌ای به امور اماکن مذهبی و زیارتگاه‌های شـیعه از خود نشـان می‌دادند. در این دوره، مقابر امامان شـیعه و امامزاده‌های سراسـر کشور مورد بازسازی و مرمت قرار گرفت و املاک وسیعی وقف آنها گردید (میرخواند، ۱۲۷۰، ص۲۱۷). توسعه اماکن متبرکه، ارتباط مستقیمی با نشر فرهنگ تشیع دارد. خلاقیت در معماری این اماکن باعث توجه انسان به معنویت می‌شود. از طرفی این اماکن، کارکردی اجتماعی دارند که یکی از آنها وقوفات است. اگر متولی دارای حسـن رفتار باشـد، سبب محبوبیت و اعتبار اجتماعی امامزادگان می‌شود و همیـن امـر در جذب مردم عامی مؤثر اسـت. در ادامه احداث و بازسـازی مقابر امامزادگان در راسـتای ترویج تشـیع توسـط صفویان، در شهر ساوه نیز تعداد بسـیاری از این اماکن احداث، مرمت و بازسازی شدند که ازجمله این اماکن مقدسه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- امامـزاده سـلطان سیداسـحاق از فرزنـدان امـام موسـی‌بن‌جعفر علیه‌السلام که بنـای آن در قرن هفتم هجری ساخته و در دوره‌های بعدی واحدهایی به آن اضافه شد. گنبد فراز بقعه به‌صورت شلمجی هشت ترک و از آثار دوره صفوی است (شاردن، ۱۳۷۲، ج۲، ص۵۱۲).
- بنـای امامـزاده زکریـا در منطقـه خلسـتان در اطراف سـاوه که از آثار دوره صفویه اسـت (ناصرالدین شاه، ۱۳۶۲، ص۱۷۵).
- امامزادگان عبدالله (موسی)، فضل و سلیمان از فرزندان امام موسی کاظم علیه‌السلام که آرامگاه آنان در اطراف ساوه، در منطقه آوه می‌باشد. این آرامگاه در دوران سلجوقی بنا گردید و در دوران صفویه رواقی به آن افزوده شد.
- بقعه امامزاده هادی علیه‌السلام در روسـتای جمزقان در حدود ۳۰ کیلومتری سـاوه که در سـال ۹۷۴ق بنا شد.
- بقعـه امامزاده هارون علیه‌السلام در ده کیلومتری سـاوه در بین روسـتای طریـز ناهید و دهکده رضاآباد در زمان قبل از صفویه ساخته شد و صفویان به بنای آن افزودند. بنابر گزارش میدانی که از این بقعه تهیه گردید، افرادی از روسـتاهای مختلف هر سـال در مهر ماه به این مکان می‌آیند و گوسفندی قربانی می‌کنند. آنها افراد خانواده و فامیل را دعوت

می‌کننـد و ناهـار را در آنجا می‌مانند. حتی برخی از افراد شـبانه بـه این مکان مقدس می‌آیند و زودتر از دیگران یک شب را در آنجا می‌مانند.

مرقد امامزادگان دیگر که با مرمت و بازسازی صفویه رونق و گسترش یافته است در داخل شـهر سـاوه (امامزاده سیدعلی‌اصغر و شاهزاده حسین) و در اطراف شهر ساوه قابل مشاهده اسـت. کارکرد امامزاده‌ها، تأثیر مسـتقیم در مذهب و تغییر فرهنگ اسـت. در ابتدا سفرهای زیارتـی، بـدون امکانات بسـیار دشـوار بـود، اما با به وجود آمـدن امکانات رفاهـی در بین راه و همچنین مرمت زیارتگاه‌ها، باعث زیاد شـدن مسـافرت‌ها شـد. مسـافران اماکن مقدسه لازم بود در مسیر خود از شهر ساوه عبور کنند؛ این عمل، هم از نظر اقتصادی ارزش داشت و هم باعث انتقال فرهنگ مذهبی به مردم ساوه می‌شد.

۳،۳. تأثیر عالمان ساوه در گرایش مردم ساوه به تشیع

در دوران صفویه، حکومت اسـلامی با محوریت مذهب تشـیع شـکل گرفت. بایسـته بود تا ساختار حکومت نیز بر اساس مبانی اسلامی باشد. دولتمردان صفوی به علّت منش صوفیانه، با قوانین و احکام اسلامی آشنا نبودند و برای بهره‌گیری از محتویات ناب اسلامی و تثبیت حکومت خـود، بـه وجـود افراد عالم به اسـلام و قرآن نیازمنـد بودند. در این میان، علمای شـیعه این توان و استعداد قوی را برای رشد و تعالی اسلام و شیعیان داشتند. ازاین‌رو، تعامل بین حاکمان و علمای شـیعه باتوجّه‌به نیازسـنجی هر دو گروه شـکل گرفت. بر همین اسـاس، علما در نقاط مختلف ازجمله جبل عامل لبنان به‌سـوی کشـور اسـلامی ایران مهاجرت کردند و توانسـتند تا حدودی حاکمیت را تحت سلطه عقلانیت اسلامی قرار دهند. همچنین عالمان محلی با تعامل سازنده خود، نقش بسـزایی در پیشـبرد اهداف شاهان صفوی و اعتلا و حاکمیت تشیع ایفا نمودند. در ساوه نیز عالمانی بودند که در راستای عمران و آبادانی ساوه و پیشرفت علمی تلاش کردند.

سـیّدابراهیم حسـینی سـبزواری سـاوجی معروف به «مقدّس»، عالم زاهد متّقی، از اهالی ساوه بود. پدران وی از سادات مختاری سبزوار به ساوه مهاجرت کرده بودند و سیّدابراهیم از ساوه به اصفهان آمد (گوپاموی، ۱۳۸۷، ص۱۶۳ و مهدوی، ۱۳۸۶، ج۱، ص۱۴۷).

شـاهان صفـوی برخـی مناصـب مذهبـی، سیاسـی و اقتصـادی را بـه علمـاء و سـادات

می‌دادند. شاه‌اسماعیل صفوی پس از تسخیر ساوه، وظیفه صدارت را به میرسیدشریف پسر تاج‌الدین در ساوه سپرد (عون‌اللهی، ۱۳۸۷، ص۲۰۷ و بدلیسی، ۲۰۰۶، ج۲، ص۱۱۲). چنین گزینشی سبب می‌شد تا قدرت در دست افرادی قرار گیرد که مروج مذهب تشیع بودند.

رویکرد صفویه در حکومت، همکاری با علماء بود. مردم نیز به عالمان احترام فراوانی قائل بودند و از آنها تبعییت می‌کردند. همین امر در حکومت صفویه باعث شد تا ظرفیت پذیرش فرامین حکومتی از سوی مردم فراهم گردد. پذیرش مذهب تشیع نیز از همین اصل پیروی می‌کرد.

رویکرد صفویه در حکومت همکاری با علماء بود. مردم نیز به عالمان احترام بسیار قائل بودند و از آنها تبعیت می‌کردند. همین امر در حکومت صفویه باعث شد تا ظرفیت پذیرش فرامین حکومتی از سوی مردم فراهم شود. پذیرش مذهب تشیع نیز از همین اصل پیروی می‌کرد.

۳،۴. نقش تصوف در گرایش مردم ساوه به تشیع

تصوف همراه با گرایش شیعی ازجمله عواملی بود که در آستانه ظهور حکومت صفوی، نقش مهمی در جهت مقبولیت مذهب تشیع توسط مردم ایران داشت. صفویه تئوری حکومت خود را با تفکر صوفی بنا نهادند. بنابراین واضح است که حکومتی با چنین تفکری، از سوی صوفیان پذیرفته خواهد شد و در این مسیر آنان را همراهی خواهند نمود.

در این میان، ساوه نیز یکی از مراکزی است که صوفیه در آنجا حضور داشتند (لسترینج، ۱۴۱۳، ص۲۴۷). بنیانگذار تصوف قلندریه در ساوه، جمال‌الدین ساوجی بود (ابن‌بطوطه، ۱۴۱۷، ج۱، ص۱۹۹) و فرقه صوفیه در ساوه تا زمان صفویه فعالیت داشتند. در کتاب آثار البلاد و اخبار البلاد (قزوینی، ۱۳۷۳، ص۴۵۶) و در منابع دیگر، به وجود خانقاه در زمان صفویه در این شهر اشاره شده‌است (لکهنوی، ۱۳۶۶، ص۲۲۰). همچنین روستایی به نام خانقاه در اطراف شهر ساوه وجود دارد که نام‌گذاری آن به این نام به علّت وجود خانقاه در این روستا است.

بنابراین وجود فرقه صوفیه در ساوه، عاملی بود که در تمایلات مذهبی و حرکت به سمت تشیع نقش داشت. این ویژگی، با عقاید قزلباش همسو بود و همین امر سبب شد که صوفی‌گری در این عصر به‌عنوان یک عامل مؤثر در جهت گرایش مذهبی، نمود یابد.

نتیجه‌گیری

دولت صفوی با تشکیل یک حکومت قدرتمند مرکزی، مذهب تشیع را به‌عنوان دین رسمی اعلام کرد و این در حالی بود که آنها از سوی دو قدرت بزرگ منطقه، یعنی ازبکان و عثمانی تحت فشار بود. آنان با اتحاد مذهبی که در ایران ایجاد کردند در مقابل این دو قدرت ایستادگی نمودند.

روش دولت صفویه برای تغییر مذهب در نقاط مختلف ایران، در مواردی مشترک و در مواردی نیز خاص آن قوم و سرزمین بود. براین‌اساس، راهکارهای آنان در قالب‌های سیاسی، فرهنگی ـ اجتماعی و اقتصادی نمود یافت. مذهب در سه مؤلفه، حضوری پررنگ داشت و خطوط اصلی را تعیین و هدف‌گذاری می‌کرد؛ یعنی محوریت برنامه‌ریزی، مذهب بود و شاهان صفوی به‌وسیله مذهب، قدرت خود را تحکیم بخشیدند.

دولت صفوی در تغییر مذهب مردم ساوه از روش‌هایی همچون: تأثیر حاکمان، ساختن پایگاه نظامی در اطراف ساوه، بهره‌گیری از اندیشه صوفی‌گری، ساختن کاروان‌سراها، منصب دادن به علما و انتخاب سادات و علما به‌عنوان حاکمان محلی استفاده کردند. آنان بدین طریق، دین و سیاست را درهم آمیختند.

در بعد فرهنگی، استفاده از راهکار هم‌جوارسازی و تبادل فرهنگی مهاجران شیعی با مردم بومی ساوه، تأثیر زیادی بر ترغیب مردم آن منطقه به تشیع داشت.

تعلیم‌وتربیت در مساجد و رونق ساخت این اماکن، روند یادگیری عقاید مذهب تشیع را سرعت بخشید و شاید یکی از مهم‌ترین راهکارها بود.

دولت صفوی با بخشش مالیاتی، دادن امور موقوفات به افراد شاخص شیعی، عمران و آبادانی و رونق بخشیدن به کشاورزی، در معیشت مردم بهبود ایجاد کرد و اعتماد آنان را به دولت مرکزی بیشتر نمود.

در ساختار مؤلفه‌های بیان‌شده، مؤلفه مذهب در همه موارد دخالت داشت و هدف‌گذاری از طریق مذهب انجام می‌شد و بر اساس آن، همه روابط شکل می‌گرفت.

فهرست منابع

۱. ابن‌بطوطه، محمدبن‌عبدالله (۱۴۱۷ق)، رحلة ابن بطوطة؛ تحفة النظار فی غرائب الأمصار و عجائب الأسفار، ریاض: اکادیمیه المملکه المغربیه.
۲. ابن‌فقیه، احمدبن‌محمد (۱۴۱۶ق)، البلدان، بیروت: عالم الکتب.
۳. ابی‌صعب، رولاجردی (۱۳۹۶ش)، تغییر مذهب در ایران، ترجمه: منصور صفت‌گل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۴. استرآبادی، محمدمهدی‌بن‌محمدنصیر (۱۳۷۷ش)، جهانگشای نادری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۵. افشار، حسنعلی‌خان (۱۳۸۲ش)، سفرنامه لرستان و خوزستان، تصحیح: حمیدرضا دالوند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۶. افندی، عبدالله‌بن‌عیسی‌بیگ (۱۳۸۹ش)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. امینی هروی، صدرالدین (بی‌تا)، فتوحات شاهی؛ تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ق، بی‌جا: بی‌نا.
۸. اولئاریوس، دام (۱۳۶۳ش)، سفرنامه آدام اولئاریوس؛ بخش ایران، ترجمه: احمد بهپور، تهران: سازمان انتشاراتی و فرهنگی ابتکار.
۹. آژند، یعقوب (۱۳۸۰ش)، تاریخ ایران؛ دوره صفویان، تهران: جامی.
۱۰. باباپور، یوسف‌بیگ (۱۳۹۱ش)، «رساله‌ای در تاریخ ساوه در دوره قاجاریه»، پیام بهارستان، ش۱۶، تابستان، ص۳۷۴-۳۸۰.
۱۱. باربارو، جوزوفا (۱۳۸۱ش)، سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، تهران: انتشارات خوارزمی.
۱۲. بخشی، موسی‌الرضا (۱۳۹۶ش)، «آموزش در مدارس عصر صفوی»، مجله رشد آموزش تاریخ، دوره هجدهم، ش۳، ص۱۷-۲۳.
۱۳. بدلیسی، شرف‌الدین‌بن‌شمس‌الدین (۲۰۰۶م)، شرفنامه، تعریب: محمد علی عونی، تحقیق: خشاب یحیی، دمشق: دار الزمان.
۱۴. بروسوی، محمدبن‌علی (۱۴۲۷ق)، أوضح المسالك إلی معرفة البلدان و الممالك، تحقیق: مهدی عیدالرواضیة، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۱۵. پطروشفسکی، ایلیاپاولویچ (۱۳۵۴ش)، اسلام در ایران، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام.
۱۶. ترکمان، اسکندربیک (۱۳۸۲ش)، عالم‌آرای عباسی، تحقیق: ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
۱۷. جملی کاری، جووانی فرانچسکو (۱۳۴۸ش)، سفرنامه کاری، تبریز: اداره‌کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی.
۱۸. جنابدی، میرزابیک (۱۳۷۸ش)، روضه الصفویه، تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹. حافظ ابرو، عبدالله‌بن‌لطف‌الله (۱۳۷۵ش)، جغرافیای حافظ ابرو، تهران: میراث مکتوب.
۲۰. حسن‌آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۶ش)، «نگاهی به اسناد سیورغال در دوره صفویه؛ بررسی اسناد سیورغال موجود در مرکز آستان قدس رضوی»، فصلنامه گنجینه اسناد، ش۶۷، ص۶۳-۷۸.
۲۱. حسنی، عطاءالله (۱۳۸۵ش)، «آموزش‌های نظری در عصر صفوی»، پژوهش‌نامه علوم انسانی، ش۵۲، ص۱۵۳-۱۶۸.
۲۲. حموی، یاقوت (۱۹۸۰م) معجم البلدان، بیروت: دار الفکر.
۲۳. خوانساری، محمدباقربن‌زین‌العابدین (۱۳۹۰ق)، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، قم: دهاقانی (اسماعیلیان).
۲۴. درووبل، گاسپار (۱۳۷۰ش)، سفر در ایران، تهران: شباویز.
۲۵. دلاواله، پیترو (۱۳۸۴ش)، سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه: شجاع‌الدین شفا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۶. ـــــــــ (۱۴۲۷ق)، رحله دیللاقالیه الی العراق؛ مطلع القرن السابع عشر، بیروت: الدار العربیة للموسوعات.
۲۷. ذکایی ساوجی، مرتضی (۱۳۸۶ش)، نامهٔ ساوه، مشهد: کردگاری.
۲۸. رزم‌آرا، حسینعلی (۲۵۳۵ = ۱۳۵۵ش)، فرهنگ جغرافیای ایران، تهران: سازمان جغرافیایی کشور.
۲۹. رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۵ش)، «جغرافیای تاریخی ساوه»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، ش۵، ص۱۷-۳۲.
۳۰. ریچی، ماتئو (۱۳۸۷ش)، چین‌نامه، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۳۱. زمانی، کورش (۱۳۹۰ش)، «بررسی تعلیم‌وتربیت در دوره صفویه»، پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان، سال اول، ش۱، ص۱-۱۰.
۳۲. ستوده، منوچهر (۱۳۸۵ش)، نامنامه ایلات و عشایر و طوایف (ایران تاریخی و فرهنگی)، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۳۳. سیدبنکدار، سیدمسعود (۱۳۹۵ش)، «بررسی جایگاه و عملکرد تاج قزلباش در تحولات سیاسی دوره صفویه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، ش۵۶.
۳۴. دن گارسیا د سیلوا فیگوئروآ (۱۳۶۳ش)، سفرنامه دن گارسیا دسیلوا فیگوئروآ، تهران: نشر نو.
۳۵. شاردن، ژان (۱۳۷۲ش)، سفرنامه شاردن، تهران: توس.
۳۶. شاملو، ولی‌قلی‌بن‌داودقلی (۱۳۷۵ش)، قصص الخاقانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۳۷. شافعی، محمدبن‌ادریس (۱۴۱۴ق)، دیوان الامام الشافعی، بیروت، دارالکتب العربی.
۳۸. شیروانی، زین‌العابدین‌بن‌اسکندر (بی‌تا)، بستان السیاحة، تهران: انتشارات سنایی.
۳۹. صالحی، کورش و اکبری، داود (۱۳۹۲ش)، «والیگری شاهوردیخان بر لرستان و تمرکزگرایی حکومت صفویان»، دوفصلنامه پژوهش‌نامه تاریخ‌های محلی ایران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، ش۳، ص۱۱۶-۱۲۷.
۴۰. صدر، حسن (۱۴۲۹ق)، تکملة أمل الآمل، بیروت: دار المورخ العربی.
۴۱. ضرابی، عبدالرحیم‌بن‌محمدابراهیم (۱۳۷۸ش)، تاریخ کاشان، تهران: انتشارات امیر کبیر.

۴۲. عون اللهی، سیدآغا (۱۳۸۷ش)، تاریخ پانصد ساله تبریز از آغاز دوره مغولان تا پایان دوره صفویان، تهران: امیر کبیر.
۴۳. فراهانی، محمدحسین‌بن‌مهدی (۱۳۶۲ش)، سفرنامه میرزا محمدحسین فراهانی، تهران: فردوسی.
۴۴. فسایی، حسن‌بن‌حسن (۱۳۸۲ش)، فارسنامه ناصری، تهران: امیر کبیر.
۴۵. قاجار، سلطان محمد میرزا (۱۳۶۴ش)، سفرنامه سیف‌الدوله معروف به سفرنامه مکه، تهران: نشر نی.
۴۶. قزوینی، زکریابن‌محمد (۱۳۷۳ش)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه: میرزا جهانگیر قاجار، تهران: امیر کبیر.
۴۷. قمی، حسن‌بن‌محمد (۱۳۸۵ش)، تاریخ قم، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۴۸. کریم‌زاده، محمد (۱۳۵۲ش)، «شاهسون‌های فارس، پیشینه تاریخی شناخت شاهسون‌ها»، مجله هنر و مردم، دوره ۱۲، ش۱۳۶-۱۳۷، ص۷۵-۷۸.
۴۹. کریمیان، حسن و رحیم‌نژاد، مریم (۱۳۹۶ش)، شهر ساوه در دوران اسلامی، تهران: انتشارات پازینه.
۵۰. کسروی، احمد (۱۳۸۴ش)، تاریخ پانصد ساله خوزستان، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۵۱. گروهی از نویسندگان (۱۳۸۸ش)، سفرنامه‌های خطی فارسی، تهران: نشر اختران.
۵۲. گوپاموی، محمد قدرت‌الله (۱۳۸۷ش)، تذکره نتائج الافکار، قم: مجمع ذخائر اسلامی.
۵۳. لسترینج، گای (۱۴۱۳ق)، بلدان الخلافة الشرقیة، تعریب: بشیر فرنسیس و کورکیس عواد، تهران: شریف رضی.
۵۴. لکهنوی، میرحامد (۱۳۶۶ش)، عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمومنین علی علیه‌السلام.
۵۵. مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۱ش)، برگی از تاریخ قزوین، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
۵۶. ـــــــــ (۱۳۳۵ش)، تربت پاکان، قم: چاپخانه مهر.
۵۷. مرعشی، محمدهاشم‌بن‌محمد (۱۳۷۹ش)، زبور آل داود؛ شرح ارتباط سادات مرعشی با سلاطین صفویه، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۵۸. مشار، خان‌بابا (۱۳۴۰ش)، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون، بی‌جا: بی‌نا.
۵۹. مشتاقی نائینی، علی‌بن‌محمد (۱۳۶۶ش)، گزارش کویر، سفرنامه صفاءالسلطنه نایینی (تحفة الفقراء)، تهران: اطلاعات.
۶۰. منتظرالقائم، اصغر و جعفری، علی‌اکبر (۱۳۹۰ش)، «مروری بر اهمیت و نقش دولت صفویه در تاریخ تشیع ایرانیان»، مجله سوره اندیشه، ش۵۶ و ۵۷، ص۲۲۹ -۲۳۷.
۶۱. مهدوی، مصلح‌الدین (۱۳۸۶ش)، اعلام اصفهان، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
۶۲. میرخواند، محمدبن‌خاوندشاه (۱۲۷۰ق)، روضة الصفا، تهران، دارالطباعه خاصه.
۶۳. ناصرالدین قاجار، شاه ایران (۱۳۶۲ش)، سفرنامه عراق عجم (بلاد مرکزی ایران)، تهران: تیراژه.
۶۴. نصیری، محمدابراهیم‌بن‌زین‌العابدین (۱۳۷۳ش)، دستور شهریاران، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
۶۵. ورجاوند، پرویز (۱۳۷۵ش)، سرزمین قزوین، تهران: راستی نو.